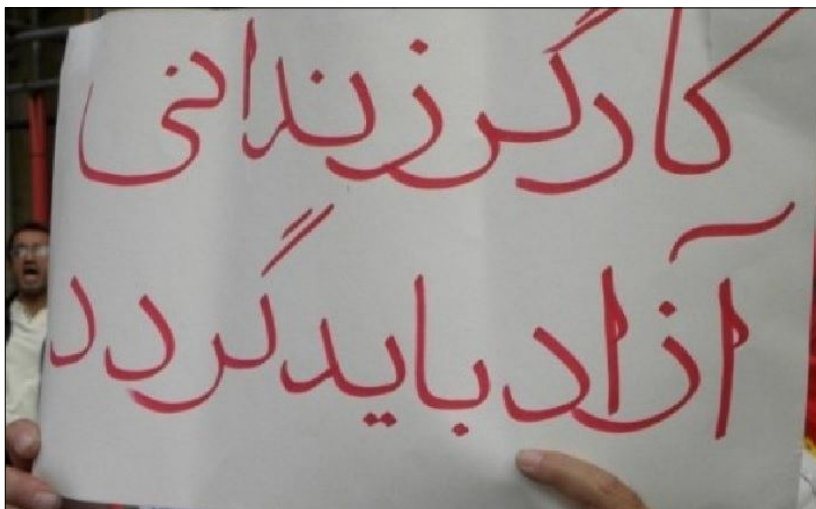


موجی از دستگیری و احضار فعالین کارگری در استان کردستان

صفحه ۳

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری



حسن روحانی در میان "نخبگان کرد"

صفحه ۳

نسان نودینیان

در محکومیت کشتار مردم در موصل!

صفحه ۴

حزب کمونیست کارگری ایران

نگذاریم سینا دهقان اعدام شود!

صفحه ۴

حزب کمونیست کارگری ایران

در حمایت از اسماعیل عبدی و همه زندانیان شریف و آزادیخواه

صفحه ۴

جعفر عظیم زاده

نگاه هفته:

صفحه ۵

نسان نودینیان

مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۶

عزیزه لطف الهی

جامعه در تدارک نبرد نهائی است سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی در کنگره دهم

صفحه ۷

استقلال کردستان عراق یا خلق فاجعه در کرکوک؟

عبدل گلپریان

اینها و سئوالات بسیار دیگری حول این اقدام مطرح هستند که میتوان به آنها پرداخت.

ناسیونالیسم در هر قامت و مدلی این ظرفیت را بویژه در اوضاع بحرانی عراق و کردستان دارد که بر سر برافراشتن یا پایین کشیدن پرچم متعلق به ناسیونالیسم بغل دستی جامعه ای را به قهقرا ببرد و بدان خون بپاشد. اما جنگ اصلی صرفا بر سر یک تکه پارچه نیست. برافراشتن پرچم کردستان عراق بر بالای نهادهای اداری کرکوک تنها سمبل اعلام و بیان وقایع خون باری خواهد بود که در پشت آن منافع اقتصادی و سیاسی خاصی از سوی دولت اقلیم، دولت مرکزی عراق، جمهوری اسلامی، دولت ترکیه و دیگر جریانات ناسیونالیسم منطقه خوابیده است.

طی چهارده سال اخیر بارها مسئله کرکوک بین دولت مرکزی و حکومت اقلیم مورد بحث، مذاکره و جدل قرار گرفته است. ماده ۱۴۰ قانون اساسی در عراق، کرکوک را یکی از استانهای عراق بر شمرده است. احزاب حاکم بر کردستان عراق نیز بارها با نمایندگان دولت مرکزی بر سر اصلاح ماده ۱۴۰ و قرار دادن کرکوک بعنوان یکی از استانهای حکومت اقلیم مذاکراتی انجام داده اند و دولت مرکزی عراق نیز بویژه بخاطر منابع نفتی کلانی که در کرکوک وجود دارد قصد ندارد به این خواسته تن دهد. پیشتر و در دوران حاکمیت صدام حسین نیز کوچ اجباری ساکنان غیر عرب زبان و ایجاد فضای نا امن تا سطح جنگ و کشتار، بدلیل وجود همین ذخائر نفتی بود.

صفحه ۲

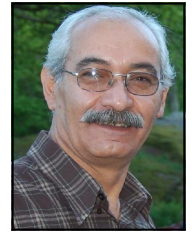
انجمن استان کرکوک روز سه شنبه ۲۸ مارس ۲۰۱۷ با رای اکثریت ارای اعضای این انجمن تصمیم گرفت پرچم کردستان عراق را بر بالای نهاد انجمن و همچنین دیگر نهادهای اداری و حکومتی در این منطقه بر افرازد. این اقدام از سوی دولت مرکزی عراق با واکنش تندی روپرو شد و آنرا مغایر با قوانین و قراردادهای بین حکومت مرکزی با حکومت اقلیم کردستان عراق ارزیابی کرد.

از مقطع تشکیل حکومت محلی (اقلیم کردستان عراق) تا به امروز، مسئله کرکوک که با نظارت و دخالت دوگانه حکومت مرکزی و حکومت اقلیم اداره میشده است همچنان در وضع بلاتکلیفی بسر میبرد. استان کرکوک بعد از سرنگونی رژیم صدام حسین از نظر جغرافیایی بعنوان یکی از استانهای عراق محسوب شده و از نظر بافت جمعیتی، شهروندانی منتسب به، ترکمن، کرد و عرب و همچنین منتسب به مذاهبی نظیر (سنی، شیعه، آسوری، مسیحی و غیره) را دارا میباشد.

اما سئوال اصلی این است که از مقطع تشکیل حکومت اقلیم کردستان عراق چرا تا کنون انجمن استان کرکوک دست به چنین اقدامی نزده است؟ آیا جنگی دیگر بر سر این واقعه بین دولت مرکزی و حکومت اقلیم در راه خواهد بود؟ چه عواملی در اجرایی کردن تصمیم اعضای انجمن استان کرکوک برای برافراشتن پرچم کردستان بر بالای نهادهای اداری در این منطقه تعیین کننده بوده است؟

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ استقلال کردستان عراق یا...



عبدل گلپریان

ظاهرا استدلال احزاب ناسیونالیست کرد بویژه اتحادیه میهنی برای الحاق کرکوک به کردستان عراق، بافت جمعیتی آن را و اینکه مردم کرد زبان در اکثریت هستند بیان میکند. آنها مدعی هستند که مردم عرب زبان در اقلیت هستند. استان کرکوک تاریخا مدام مورد مشاجره بوده است. دولت مرکزی آنرا رسما و تاریخا از نظر جغرافیایی متعلق به عراق میدانند و احزاب حاکم بر کردستان عراق نیز به بافت جمعیتی آن و اینکه اکثریت با "ملیتهای غیر عرب زبان" است آنرا بخشی از محدوده اقلیم محسوب میکنند. استدلال هر دو طرف بنا به معیارهای تعریف شده بین دولتها و برای عوامفریبی ظاهرا معقول بنظر میرسد اما اصل داستان بر سر گنجینه غنی از نفت در کرکوک است. برای بورژوازی و ناسیونالیسم به بن بست رسیده که در گرداب بحران دست و پا میزنند، ادعای تملک به خاک و یا بافت جمعیتی، توجیهاتی عامه پسند برای برپا کردن جنگ و خانه خرابی و کشتار بخاطر منافع مادی و سیاسی خودشان است. حاکمیت قومی عشیره ای بیش از دو دهه احزاب شریک در حکومت اقلیم کردستان عراق سیاست و عملکرد آنان را در مقابل چشم همگان قرار داده است که با و بدون کرکوک و با و بدون نفت کرکوک، سهم مردم، فقر فلاکت، جنگ، کشتار و خانه خرابی بوده

است و سهم احزاب حاکم ثروتهای افسانه ای از قبل هستی مردم بوده است.

تا جاییکه به موضوع مشخص کرکوک و دعوی تاریخی بر سر آن مربوط است، فاکتور دیگری در این مسئله دخیل است. با پایان یافتن جنگ علیه داعش و کنار زدن این جریان اسلامی آدمکش در این محدوده، سهم خواهی ها و تقسیم غنائم یکی دیگر از موضوعات حل نشده بین دولت مرکزی و حکومت اقلیم از یک سو و دخالت و ایفای نقش دولتهای منطقه نظیر جمهوری اسلامی و دولت ترکیه از سوی دیگر است.

فاکتور دیگری که میتوان آنرا نادیده نگرفت این است که در مدت زمان تشکیل حکومت اقلیم کردستان عراق، دو حزب اصلی (اتحادیه میهنی طالبانی و حزب دمکرات بارزانی) دو رقیب اصلی و تاریخی برای دست بالا داشتن حاکمیت بر کردستان عراق بوده اند. در حال حاضر و طی چند سال گذشته حزب دمکرات دست بالا را داشته است و با داشتن بیشترین کرسی های پارلمانی، عملا در اوضاع داخلی، مناسبات خارجی، موقعیت نظامی و امور اقتصادی و مالی یک تاز میدان بوده است. دو استان اربیل و دهوک تمام و کمال در حیطه کنترل، دخالت و اختیارات حزب میهنی و دیگر احزاب پارلمانی در این دو استان نقش چندانی ندارند.

اتحادیه میهنی بعنوان حزب سوم که تنها متکی به استان سلیمانیه و چند شهر کوچک و بزرگ اطراف آن است، علاوه بر اینکه در تقسیم قدرت بطور مساوی در حکومت سهم نیست، از طرفی با عدم انسجام درونی روبرو است. استاندار فعلی کرکوک (نجم الدین کریم) از اعضای رهبری اتحادیه

میهنی بارها از استقلال کرکوک از اقلیم و از دولت مرکزی سخن گفته است تا جاییکه اعضای انجمن کرکوک که از ملیتهای مختلف هستند را با خود همراه کرده تا بلکه وزنه ای در تعیین تکلیف سرنوشت کرکوک را (افلا در الحاق به اقلیم) رقم بزنند.

بنابراین تلاش نجم الدین کریم در انجمن استان کرکوک برای برافراشتن پرچم کردستان بر بالای نهادهای اداری این استان راهکاری برای ایجاد توازن در تقسیم سود و قدرت بعد از پایان دادن به کار داعش بین اتحادیه میهنی طالبانی و حزب دمکرات بارزانی نیز هست.

جمهوری اسلامی در حمایت از اتحادیه میهنی آتش بیار این معرکه است. در حال حاضر نفت کرکوک ظرفیت ۴ درصد از تولید نفت کل عراق را دارد. در صورتیکه کرکوک به یمن یک جنگ خانه خراب کن و کشتار شهروندان به تصرف حکومت اقلیم درآید و متعاقب آن اتحادیه میهنی با حمایت بی دریغ جمهوری اسلامی قادر شود بر دو استان سلیمانیه و کرکوک مسلط شود، برنده این خانه خرابی جمهوری اسلامی خواهد بود. اینکه در آینده سرنوشت حاکمیت بر کردستان عراق آیا دو اقلیمی خواهد شد یا اینکه هر دو حزب رقیب به توافقاتی خواهند رسید موضوع ثانوی تری در ادامه روند این تحولات است.

اما راه پایان دادن به اوضاع فلاکتبار مردم کردستان عراق برافراشتن پرچم بر هر کوی و برزنی نیست. حکومت اقلیم کردستان عراق با به اهتزاز درآوردن پرچم خود بر بالای ۳ استان اصلی (سلیمانیه، اربیل و دهوک) و طی بیش از دو دهه اخیر چه گلی به سر مردم کردستان عراق زده است که با برافراشتن این پرچم در استان کرکوک بخواهد آنرا تکمیل کند؟

طی حاکمیت این احزاب سهم مردم چیزی جز فقر، نداری، فلاکت،

نداشتن امکانات رفاهی، بی حقوقی، بیکاری، بریدن دستمزدهای معوقه و تهدید و ترور نبوده است. اما از آنسو سهم احزاب قومی اسلامی حاکم از قبل هستی جامعه کردستان عراق، از طریق، دزدی، فساد و ایجاد باندها و شبکه های کانگسری، انباشت ثروتهای افسانه ای، و داشتن زندگی مرفه در ناز و نعمت بوده است.

نناید اجازه داد که برای تقسیم سهم و سود حاصله از تصرف یک استان، بخاطر منابع و ذخائر نفتی آن و سرازیر شدنش به جیب احزاب رقیب و دول جمهوری اسلامی و ترکیه، زندگی مردم کردستان عراق، بویژه شهروندان ساکن در کرکوک دستخوش جنگ و کشتار، فقر و خانه خرابی هر چه بیشتر بشود.

راه حل مردم کردستان عراق برای نجات از وضع موجود چیزی جز اعلام استقلال کردستان عراق در یک رفاندم آزاد نیست. شهروندان ساکن در کرکوک نیز تنها با شرکت در یک رفاندم آزادانه است که میتوانند تصمیم بگیرند آیا در چهارچوب کردستان استقلال یافته زندگی خواهند کرد یا همچنان بخشی از کشور عراق باقی خواهند ماند؟.

افق و دورنمای مردم کردستان عراق

برای داشتن یک زندگی آرام و بدون چپاول، دزدی، فساد، جنگ و خونریزی، داشتن حکومتی استقلال یافته است که احزاب حاکم فعلی در آن جایگاهی نداشته باشند. اگر چنین خواست و توقعی که ممکن است به زعم بسیاری دور از دسترس باشد، اما میتوان آنرا بعنوان افق، امید و چشم انداز مردم کردستان عراق به گفتن وسیعی در جامعه تبدیل کرد. اگر در اواخر دهه نود طرح خواست و ایده استقلال کردستان عراق به امیدی برای مردم کردستان عراق تبدیل شده بود و اکنون به امری بیدیهی تبدیل شده است، امروز دیگر این توقع کافی نیست. احزاب قومی و ناسیونالیست کرد بیش از دو دهه است بطور مستقل به چپاول هستی جامعه پرداخته اند، با بن بست و بحران همه جانبه روبرو هستند و جامعه ای چند میلیونی را به ورطه نابودی کشانیده اند. وقت آن است که مردم کردستان عراق به استقلالی بیندیشند که در آن جایی برای مانور دادن احزاب فی الحال موجود و امتحان پس داده وجود نداشته باشد.

۲۹ مارس ۲۰۱۷

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۲۶۷۵۰۲
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
۴۹۰۰ Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVTN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:
Bank of America
277 G street Blaine, Wa 98230
phone# 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 41581083
checking (99)
wire: ABA routing #026009593
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345۴۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:
سیامک بیاری: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

حزب کمونیست کارگری ایران تمام احزاب و نیروهای ارتجاعی درگیر در صحنه امروز کردستان عراق و افتهای ضد مردمی آنها را قویا محکوم میکند و بار دیگر بر همبستگی خود با طبقه کارگر، کمونیسم کارگری و مبارزه مردم زحمتکش در کردستان عراق برای آزادی و برابری تاکید میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران هر نوع توافق از بالا میان رژیم عراق و احزاب ملی - عشیرتی کرد برای تعیین تکلیف سیاسی و حقوقی کردستان را مردود میداند و خواهان مراجعه به آراء آزاد و مستقیم خود مردم کردستان عراق در مورد آینده سیاسی کردستان است.

حسن روحانی در میان "نخبگان کرد"



نسان نودینیان

روحانی با دوجینی از دروغ و وعده‌های توخالی به کردستان و سنج آمد و رفت. او بقصد گرم کردن بساط مضحکه انتخابات دور دوم ریاست جمهوری به سنج آمد. داستان سفر روحانی روشن است! گرم کردن بساط مضحکه انتخابات است!

اصلاح طلبان کرد حلقه اصلی مجمع نخبگان در ضیافت های حسن روحانی بودند.

رحمت بر پدر حسن روحانی که در ۴ سال گذشته دوبار به سنج سفر کرده و زیر ابروی این اصلاح طلبان کرد را برداشته است و اوقات "خوبی" در حلقه "نخبگان" را برای اینها خلق میکنند.

الحق اینها هم نمک نشناس نیستند و میدانند شغل مزدوری و دم تکان دادن خود را بنمایش بگذارند و بقول کردی خوش رقصی کنند!

اما در نظام جمهوری اسلامی خوش رقصی این جنابان سبب مقام و جایگاهی نمیشود. اینها برای مضحکه انتخابات دولت یازدهم و حسن روحانی تلاش های زیادی بخرج دادند که بازار مضحکه انتخابات را گرم کنند، به این امید نام تعدادی از آنها در ردیف مقامات مملکتی و کشوری اعلام شود. به سینه اینها مشت محکمی زدند و ناکام و دلواپس در کریدورهای استانداری و فرمانداریها ماندند.

استاندار هم از اینها انتخاب نشد.

داستان وجود اینها در سیاست و مزدوری برای جنایتکارترین رژیم فاشیستی - اسلامی دیدنی است. کسب مقام! کاره ای شدن! احسان هوشمند اصلاح طلب کرد میگوید:

«در همین دولت(دولت یازدهم روحانی) برای اولین بار در تاریخ انقلاب یک کرد اهل سنت به عنوان سفیر انتخاب شد که در جای خود

آوردن نام روحانی از صندوقها و انتخاب او برای دوره دوم ریاست جمهوری و تشکیل دولت دوازدهم!

کارنامه حسن روحانی در دولت یازدهم هم برای مردم در ایران و کردستان اظهار من الشمس است.

چالشهای دولت یازدهم روحانی یکی دو تا نیستند، عدیده و جدی و عمیق هستند! در دولت روحانی(یازدهم) شکاف طبقاتی عمیق تر شده! در شهر و روستاهای کردستان در اشکال زمخت نداری و بیکاری و عدم امنیت جانی و ایمنی معیشت دیده میشود. کردستان و استانهای سیستان و بلوچستان در ردیف استانهای با ارقام بیکاری بالا قرار دارند.

بیکاری جوانان تحصیلکرده بسیار بالا است. هزاران جوان تحصیلکرده دختر و پسر با گرفتن مدارک تحصیلی بجای دسترسی به اشتغال در خانه نشینی با معضل بیکاری درگیر میشوند.

کارگر کولبر از مصائب عمیق اجتماعی زاده بیکاری جوانان، اخراج و بیکارسازی و نداشتن فرصت های شغلی است.

روحانی از نهادهای های امنیتی جمهوری سر بر آورده است. امنیتی کردن فعالیت فعالین مدنی و صنفی در دولت روحانی افزایش یافته، در شهر سنج، سقر، مریوان، بوکان و مهاباد چندین نفر از فعالین مدنی و سیاسی تحت پیگردهای امنیتی هستند، ده ها نفر بزندان رفته اند و به قید وثیقه آزاد هستند.

جمهوری اسلامی و اصلاح طلبان کرد در میان مردم جایگاهی ندارند. تنفر عمیقی از این نظام فاشیستی - اسلامی وجود دارد.

مردم در شهر و روستاهای کردستان در انتخابات ریاست جمهوری دولت دوازدهم شرکت نمیکند. تبلیغات و خوش رقصی اصلاح طلبان بیهوده است.

فاصله سیاسی - اعتراضی مردم با نظام جمهوری اسلامی بعمق فاصله طبقاتی بیشتر و بیشتر شده است.

دوره مهم و تعیین کننده ای پیشا رو است! سال ۱۳۹۵ سال تحرك بالا و پر جنب و جوش اعتراضات مدنی و علنی مردم در شهرهای کردستان بود. سال ۱۳۹۶

موجی از دستگیری و احضار فعالین کارگری در استان کردستان

طبق اخبار منتشر شده در روزهای اخیر تعداد زیادی از فعالین کارگری و مدنی احضاریه دریافت کرده و تعدادی هم دستگیر شده اند. بر اساس این احضاریه ها باید این فعالین خود را به ادارات امنیتی مانند اداره اطلاعات، اطلاعات سپاه و حراست سپاه... معرفی کنند.

قبلا در شهر کامیاران محمد رضا آهنگر یکی از فعالین کارگری دستگیر و بعد از چند روز بیخبری معلوم شد در زندان سنج است. این فعال کارگری در قرنطینه بسر میبرد و به خانواده او اجازه ملاقات ن داده اند. طبق آخرین خبر مقامات امنیتی به خانواده او گفته اند اگر اسناد و مدارک وثیقه آماده بشود بعد از تعطیلات نوروزی پرنده او بررسی خواهد شد.

در ادامه احضاریه و بازداشتهای اخیر خالد حسینی یکی دیگر از فعالین کارگری سنج احضار و روز جمعه سوم فروردین ۹۶ به اداره اطلاعات نیروهای انتظامی مراجعه کرده است. بعد از احضار او خبری از این فعال کارگری نیست.

روز شنبه چهار فروردین ۹۶ خبر رسید که سعید یوزی یکی دیگر از فعالین شهر کامیاران بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است و هنوز خبری از محل بازداشت او در دست نیست.

طبق منابع خبری ما تعداد دیگری از فعالین کارگری و مدنی احضاریه دریافت کرده اند و تعدادی هم از طریق تلفن مورد تهدید قرار گرفته اند.

در آستانه سفر روحانی به کردستان برای تبلیغات انتخاباتی نیروهای امنیتی رژیم اسلامی به منظور ایجاد فضای رعب و ترس تعداد زیادی از فعالین شهرهای کردستان را احضار و دستگیر کرده اند.

حکومت اسلامی ایران برای گرم کردن بازار "انتخابات" از یکسو از طریق روحانی و عوامل حکومتی دیگر به بحث حقوق مدنی و غیر قانونی بودن دخالت در زندگی مردم دامن زده و یکبار دیگر میخواهد تعدادی از مردم را برای دوام و بقا حکومت ضد انسانی و ضد کارگری اش به پای صندوق های رای بکشاند و از سوی دیگر به دستگیری و زندانی

بر بستر تعرض و نارضایتی های توده ای و مدنی و در بطن

بر بستر تعرض و نارضایتی های توده ای و مدنی و در بطن

حکومت اسلامی ایران نیک میدانند که مردم ایران این حکومت را نمی خواهند و اکنون فعالین کارگری و حقوق مدنی و مدافعین واقعی حقوق شهروندی در بین مردم ایران ارج و قرب و محبوبیت فراوانی دارند. اما چپاول کنندگان و دزدان و قاتلین مردم بر دریایی از نفرت عمومی تکبیه زده اند. آنها برای ادامه حکومت دزد و سرکوبگر خود علاوه بر ریاکاری و دروغگویی بجز سرکوب و زندانی کردن انسانهای شریف و مبارز راه دیگری نمیشناسند. باید بساط این جانین را جمع کرد.

مردم آزادیخواه کردستان!

در مقابل در زندانها باید تجمع کرد و خواهان آزادی همه دستگیرشدگان شد. خانواده های دستگیر شدگان را تنها نگذارید. با تجمع و اعتراض و جمع آوری تومار و دامن زدن به بحث و پخش اخبار دستگیری ها در رسانه های اجتماعی باید به یک جنبش وسیع علیه این دستگیری ها دامن زد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن سیاست بگیر و بسند جمهوری اسلامی از مردم کردستان میخواهد که پاسخ محکمی به مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی بدهند. ما خواهان آزادی همه بازداشتیها و پایان دادن به فضای رعب و وحشت اخیر هستیم و از مردم آزاده انتظار داریم علیه این سیاست رژیم قاطعانه بایستند و مضحکه انتخاباتیشان را بر سرشان خراب کنند.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ فروردین ۱۳۹۶

دستاوردهای رادیکال و تعرضی شروع شده است.*

بر بستر تعرض و نارضایتی های توده ای و مدنی و در بطن

در محکومیت کشتار مردم در موصل!

فراری ندارند.

زندگی و مدنیت در موصل در حال نابودی است. فاجعه ای در پی فاجعه ای دیگر و این سهم مردمی است که چندی پیش به اسارت هیولای اسلامی داعش در آمدند و امروز بنام "آزادی" شان محل زندگی و کارشان از سوی داعش و نیروهای متعدد مرتجع و ضد انسانی تروریسم دولتی در هم کوبیده شده است.

ما جنگ علیه داعش را محکوم نمیکنیم. بشریت باید از شر داعش و هر نیروی تروریست اسلامی و غیر اسلامی دیگری خلاص شود. اما این کشتارها و حملات هوایی که قربانیانش مردم عادی اند، جنگ نیست، کشتار و تروریسم هوایی است. یک جنایت جنگی است. جنایتی علیه شهروندانی است که سهمی در این کشمکش خونین نداشته اند.

باید به کمک مردم آواره و فراری

گزارشات خبرگزاریها از تعداد کشته شدگان موصل در چند روز اخیر، هر چند متفاوت، اما حاکی از آن است که حداقل صدها تن از شهروندان غیر نظامی در پی حملات هوایی جنگنده های "نیروهای ائتلاف" و در راس آن دولت آمریکا، تا کنون کشته و تعداد زیادی زخمی شده اند. تعداد زیادی از شهروندان بیگناه نیز هنوز زیر آوار خانه ها و اماکن تخریب شده قرار دارند.

فراریان از موصل خبر میدهند که تعداد کشته شدگان و زیر آوار ماندگان "بسیار" است. سازمان ملل تعداد قربانیان را "بسیار بالا" برآورد کرده است. تاکنون بیش از ۲۰۰ هزار تن در اثر بمباران محل زیست و کار خود، تتمه زندگی خود را به دوش گرفته و آواره دشت و بیابان شده اند. مابقی نیز، بیش از ۶۰۰ هزار تن، بنا به گزارش سازمانهای امداد رسانی در میان جنگ نیروهای درگیر گرفتار شده و راه

از موصل شتافت. باید به کمک مردمی شتافت که در موصل گرفتار جنگ علیه داعش شده اند. نباید اجازه داد که این صحنه ها در اذهان بشریت معاصر تصاویری "عادی" و یک "منظره"، هر چند ناخوشایند، تلقی شود. نباید اجازه داد این کشمکش و مشقت به وضعیتی دائمی تبدیل شود. این سهم بشریت نیست، این سهم مردم موصل نیست!

حزب کمونیست کارگری هرگونه اقدامی را که منجر به قربانی شدن مردم عادی شود، قویا محکوم میکند. حزب کمونیست کارگری خواهان بیشترین کمک و مساعدت سازمانها و نیروهای بین المللی به مردم فراری و گرفتار شده در موصل است.

حزب کمونیست کارگری

۷ فروردین ۱۳۹۶

۲۷ مارس ۲۰۱۷

ترین روزهای سال در کنج زندانها باشند.

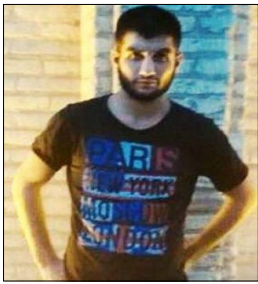
آیا این وضعیت قابل تحمل است؟ آیا میشود بی سابقه ترین شکلی از فقر و فلاکت را بر مردمان یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان تحمیل کرد و آنوقت زبانانشان را نیز برای حرف زدن و انتقاد از کام کشید؟ اگر چنین وضعیتی در طول تاریخ بشر ضامن بقا سیستمی بوده است اینجا نیز در ایران چنین خواهد شد؟! اما تاریخ درس دیگری به همه ما انسانها آموخته است: نمیشود و هیچ کس و هیچ خدائی نیز نمیتواند هم فقر و فلاکتی بی پایان را بر مردمان یک کشور ثروتمند تحمیل کند و هم زبانانشان را ببرد و آنان را در کنج زندانها به بند کشد.

دور نیست روزهایی که ما کارگران و معلمان و عموم مردم شریف ایران، اسماعیل عبدی ها، بهنام ابراهیم زاده ها و جوانان برومندی همچون امیر امیر قلی، ارش صادقی و وکلای متعهدهی همچون عبدالفتاح سلطانی و زنان برابری طلبی همچون نرگس محمدی ها را بر روی دوشهایمان از زندانها خارج کنیم.

جعفر عظیم زاده

۳۰ اسفند ماه ۱۳۹۵

نگذاریم سینا دهقان اعدام شود!



دیوان عالی حکومت اسلامی حکم اعدام سینا دهقان را تایید کرد. پیش از آن سینا دهقان، جوان بیست و یک ساله، به اتهام توهین به محمد، پیغمبر اسلام، در شبکه اجتماعی "لاین" در ۲۹ مهر ۹۴ در دادگاه اراک محکوم به اعدام شده بود. اکنون سینا دهقان در زندان اراک در صف اعدامیان قرار دارد. محمد نوری نیز در همین رابطه و با اتهامی مشابه در شعبه یک دادگاه کیفری اراک به اعدام و سحر الیاسی به اتهام "توهین به رهبری" به سه سال زندان محکوم شده است.

حکومت اسلامی با تهدید و ارباب سینا را وادار به اعتراف کرده است. همچنین خانواده وی را با وعده پوچ تخفیف حکم تحت فشار قرار داده که از هر گونه اعتراض علنی علیه این حکم خودداری کنند.

حزب کمونیست کارگری این اقدام جنایتکارانه رژیم اسلامی را قویا محکوم میکند. نقد و افشای مذهب و مقدسات مذهبی حق بی چون و چرای مردم و یک عرصه مهم مبارزه علیه قوانین و سیاستها و اخلاقیات ضد انسانی و فوق ارتجاعی حاکم است.

سینا دهقان به اتهام توهین به پیغمبر اسلام به اعدام محکوم شده است. نقد و افشای مذهب و مقدسات و تابوهای مذهبی جرم نیست، حق مسلم مردم در هر جامعه ای است. آنچه جنایت است "مجازات" اعدام است. اعدام قتل عمد دولتی است. سازمان یافته و نقشه مند و از پیش برنامه ریزی شده است. یک جنایت سازمان یافته بمنظور ارباب و کنترل جامعه است. اعدام مجازات نیست، یک جنایت شنیع است و باید به آن پایان داده شود.

جمهوری اسلامی میداند که با چنین جنایاتی نیز مانع گسترش بی خدایی و بی مذهبی میلیونی در ایران نخواهد شد.

فکر میکند با چنین مجازاتهای سنگینی بروز آشکار بی مذهبی و توهین به مقدسات اسلامی و قوانین اسلامی و لبه تیز مبارزه برای سرنگونی خود را کاهش میدهد. این نیز خیال عبثی است. جنبشی که از روز سر کار آمدن حکومت اسلامی علیه مذهب و خدا و حکومت آیت الله ها شروع شده است همچنان طوفانده به جلو میرود و با هیچ جنایت و سرکوب و کشتاری متوقف نخواهد شد. این جنبش تا همینجا پایه های حکومت اسلامی را بشدت متزلزل کرده است.

حزب کمونیست کارگری همه مردم آزادیخواه و برابری طلب را به اعتراض علیه این اقدام جنایتکارانه حکومت اسلامی فرا میخواند. نقد مذهب، نقد تمامی جوانب سیاسی و فرهنگی و مذهبی جامعه حق طبیعی همه مردم است. نباید بگذاریم جانینان اسلامی طناب دار را بر گردن سینا دهقان بیندازند! سینا دهقان، محمد نوری و سحر الیاسی و سایر منتقدین مذهب از جمله سهیل عربی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری،

حکومت کارگری!

زنده باد



جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ فروردین ۱۳۹۶

۲۳ مارس ۲۰۱۷

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام با هر نوع مجازات متضمن نقض به جسم افراد (نقص عضو، تشییع بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.



نسان نودینیان

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات هفته
از شهرهای کردستانکارگران فولاد زاگرس حضور
روحانی را به صحنه اعتراضات
تبدیل کردند

روز ۵ فروردین تعدادی از کارگران بیکار شده کارخانه فولاد زاگرس همزمان با سفر یک روزه روحانی به کردستان در اعتراض به وضع بلاتکلیف خود و خواست رو شدن وضعیت شغلی شان در مسیر عبور وی مقابل ساختمان استانداری تجمع کرده و حضور او را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند. این کارگران طی سه سال گذشته تجمعات متعددی را در اعتراض به تعطیلی و مشخص نبودن شرایط ادامه کارشان برپا کرده‌اند، در نتیجه تعطیل شدن این کارخانه ۴۰۰ کارگر در بلاتکلیفی قرار دارند.

انتقال محمدرضا آهنگر به
زندان مرکزی سنندج

به گزارش «کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری» روز چهارشنبه «محمدرضا آهنگر» از فعالین کارگری شهرستان کامیاران به زندان مرکزی شهر سنندج انتقال یافت.

محمدرضا آهنگر روز دوشنبه ۲۳ اسفند ماه سال ۹۵ به دلایل نامعلومی توسط مأموران امنیتی رژیم در یکی از خیابان های شهر کامیاران دستگیر شد. نامبرده کارگر ساختمانی و عضو انجمن کارگران ساختمانی کامیاران می باشد. کمیته هماهنگی بار دیگر بازداشت محمدرضا آهنگر را محکوم می کند و خواستار آزادی این فعال کارگری و سایر کارگران در بند می باشد.

کشته شدن ۱۲۰۰ کارگر
ساختمانی چین کار در سال ۹۵

«میکائیل صدیقی» فعال صنفی کارگران ساختمانی در گفتگو با ایلنا، اظهار داشت: در سال ۹۵ بیش از ۱۲۰۰ کارگر ساختمانی به دلایل مختلفی از قبیل سقوط از ارتفاع و برق گرفتگی جان

در سال ۹۵ برای اولین بار برای کارگران ساختمانی نمایشگاه عکس برپا کرد. همچنین مستند فصل سیاه در خصوص حوادث کار که روایت نشنیده خانواده کارگران ساختمانی مریوان و سروآباد است هم به نمایش درآمد. وی افزود: همچنین ۱۲ جلسه تخصصی در خصوص قیمت گذاری اجرایی رشته های ساختمانی، برگزاری دو دوره مسابقات والیبال کارگران، آموزش ۵۰۰ نفر از کارگران و استادکاران ساختمانی مریوان و سروآباد، دریافت مجوز نصب اولین ایستگاه اطلاع رسانی کشور در میدان شبرنگ مریوان و برگزاری گردهمایی پیشگیری از حوادث ساختمانی از دیگر اقداماتی بود که توسط این انجمن صنفی کارگری انجام شد.

جمعی از معلمان عدالتخواه:
همه باید از شغل مناسب
بهره مند شوند

جمعی از معلمان کشور با صدور نامه ای که نسخه ای از آن در اختیار «حقوق معلم و کارگر» قرار گرفته، نسبت به مرگ و میر دستمزددبگیران در هفته های اخیر اعتراض کرده و خواستار بهره مندی همگان از شغل مناسب شده اند.

متن نامه به شرح زیر است:

«از دستهای گرم تو

کودکان توامان آغوش خویش

سخن ها می توانم گفت

غم نان اگر بگذارد.»

آوار ناشی از لجام گسیختگی اقتصادی بیش از همیشه بر تن و روان رنجور فرودستان فرود می آید. تورم و بیکاری بیش از پیش زندگی مردم را در مناطق محروم از لرستان تا خراسان و از ایلام تا کرمان و آذربایجان را سخت کرده است و به تبع آن آسیب های اجتماعی، فرصت های زندگی را از مردم گرفته است.

هنوز سوز آتش بی رحمی که جان کودکان کار - احمد و صمد - را گرفت، التیام نیافته بود که تاول های بر جای مانده از سوختن پلاسکو و قربانی شدن کارگران زحمت کش و مأموران آتش نشانی چون نمکی درد این زخم جانسوز را شدت بخشید.

آنسو تر از پلاسکو، ربه های خوزستان خوراها خاک را در هر دم و بازدم تنفس می کند.

نبود زیر ساخت ها اجازه نداد که مردمان سیستان و بلوچستان شکوه

بارش های فصلی را به نظاره بنشینند که در همان ساعات اولیه بی خانمانی و فلاکت را برایشان به ارمغان آورد. در کردستان بارش برف پیکر نحیف کولبران و سیمبانان قراردادی شرکت برق را به کام مرگ کشید و جان باختن مظلومانه آنها بار دیگر دل مردم ایران را به درد آورد.

مردان و زنان کولبری که ناچارند بی کفایتی مسولان را در ایجاد زیر ساخت ها با جان خود بپردازند. کولبرهایی که اگر موفق شوند باری را در فاصله ای طولانی و در راههای صعب العبور کوهستانی در سرمای استخوان سوز این روزها به مقصد برسانند و مورد اصابت گلوله ی مرزبانان قرار نگیرند، رنج استثمار شدن توسط مافیاهای اقتصادی را به جان بخرند.

ما جمعی از معلمان عدالت خواه ایران ضمن تسلیت همدردی با مردم ایران و به ویژه جامعه کردستان، بر حق بهره مندی عموم مردم از شغل مناسب پای می فشاریم و معتقدیم که دولت جمهوری اسلامی ایران باید مطابق قانون اساسی به مسئولیت خود در قبال ایجاد اشتغال و بهره مندی همگان از شغل مناسب و نیز ایجاد زیرساخت های مناسب جهت امنیت و رفاه عمومی عمل نماید.

جمعی از معلمان عدالت خواه:

رسول بدائی، سوران لطفی، هاشم خواستار، یاسر ریگی، شیوا عاملی راد، عزیز قاسم زاده، لقمان ویسی، جعفر ابراهیمی، مسعود نیکخواه، محمد حبیبی، شعبان محمدی، وحید میرشکار، صدیقه پاک ضمیر، آرام قادری، بختیار احمدی، جلال سجادی، سارا سیاهپور، نادر قدیمی، لطیف روزیخواه، مرضیه زائین دشت، عزیز ناصری، سمانه محبی، شیوا محمدی، علی حسینی، مبشر نادری، شهلا آتش سودا، مریم رونو، علی پیروز، خدیجه پاک ضمیر، جبار دوستی، سمیه شهریسوند، شکوفه اسامی، منصور فیروزکوهی، عبدالله خرم، مسعود نظر، مهدی تفسیری، علی حاجی، ابوالقاسم قضاتی، محمد لاجینی، حسین ستاری، جلیل ناصری، معصومه اصغرزاده، حکیمه بنی هاشمی، عارف فاتحی، الهام کرمی، مراد روحی، نسربین چراغی، احمد نور،

سارا مهرایی، لیلا ملکی، نزهت نیستانی، جواد قلی پور، زهرا خادمی، اولدوز هاشمی، مینو کیخسروی، مهرنوش حیدر زاده، رحیم امیری، سیروان تاج گردون، تیمور خرسند، محبوبه فرحزادی، آرزو محمودی، طیب نیک رفتار، جلال قمری، مجتبی گودرزی، صفیه بسیم، منصوره فرح زادی، عنایت وثوقی، محمود بهشتی، مجتبی ابطحی، جلال موسوی، حبیب حسینی، هادی شریفی، کمال مرادی، ناصر محمدی، شیرین رحیمی، جمیل کریمی، رحمان مرادی، فرزانه بازاریار، حافظ سنندجی، شهرام جمالی.

پیام کمپین پژواک فریاد
کولبران به مناسبت فرارسیدن
نوروز و سال نو

نوروز در راه است و با پیامهای متعددی در فضای مجازی مواجه هستیم که با ذکر اتفاقات افتاده در سال نود و پنج، گاه امسال را سال نود و رنج نام نهاده اند. فارغ از رویدادهای مختلف عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و ورزشی و نیز سوانح طبیعی و حاصل اشتباه انسانی که هر کدام بخش هایی از جامعه را باتوجه به اهمیت و حساسیت خویش به واکنش و ابراز احساسات و آوار کردن در ادامه توالی روند حوادث و پیامدهای معضل کولبری شاهد درگذشت چندین نفر از کولبران به دلایل مختلف بودیم که موجی فراگیر از تأثر و تالم را در سطح افکار عمومی برجا گذاشت و در پاسخ به مطالبه عمومی پیگیری و رسیدگی به وضع کولبران، مسئولان و نمایندگان و دست اندرکاران امور نیز واکنش نشان داده و با پیشنهاد طرح هایی همچون افزایش معابر رسمی کولبری، ایجاد مناطق آزاد در استانهای مرزی، بیمه کولبران، ساماندهی کولبران در تعاونی ها و فرستادن هیئتی از نمایندگان مجلس و مسایلی از این دست، سعی در فعالیت در راستای کم کردن اثرات و تبعات کولبری داشتند و همزمان از سوی فعالین مدنی و رسانایی کردی نیز گامهایی در راستای تاسیس مرکز حمایت از کولبران کرد و نیز تدوین کتابی جامع در زمینه کولبری حول ابعاد مختلف این قضیه برداشته

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی



وضعیت زنان در سال ۹۵

در رسته حقوق زنان در سال ۲۰۱۶ میلادی ۱۶۳ گزارش گردآوری شده است که بر اساس آن جمعاً ۱ مورد بازداشت فعال حوزه زنان و ۳۶۵۱ نفر بسه دلیل نوع پوشش، بازداشت و یا مورد تذکر قرار گرفتند، دست کم ۶۵۹۶۴ زن مورد خشونت جسمی و جنسی قرار گرفتند، دست کم ۱۸ مورد اسیدپاشی، ۴۱ مورد قتل ناموسی و ۱ مورد احضار فعالان این حوزه به مراجع قضایی - امنیتی گزارش شده است.

در کل گزارشات گردآوری شده در این حوزه ۱۶۳ گزارش بوده است که شامل ۱۲۸ مورد نقض حقوق زنان برای دستکم ۳۹۲۹۷ تن بوده است.

در حوزه زنان بازداشت فعالین ۸۶٪ نسبت به سال قبل از آن کاهش یافته است، هم چنین صدور احکام حبس برای هیچ فعال حقوق زنانی از سوی دستگاه قضایی همچون سال ۲۰۱۵ گزارش نشده است.

در مقایسه ماهانه نقض حقوق زنان بر اساس تعداد نقض موردی حقوق بشر نسبت به سال قبل ۶۴٪ افزایش داشته است، بیشترین صعود در این حوزه در آوریل و بیشترین نزول در دسامبر گزارش شده است.

بیش از ۳ هزار زن در سال گذشته دستگیر شدند

شهاب الدین چاوشی، معاون سیاسی و اجتماعی استاندار تهران

از دستگیری زنان متکدی و بی خانمان در پایتخت خبرداد. وی آمار زنان متکدی بازداشت شده از ابتدای سال ۹۵ را یک هزار و ۸۷ نفر و شمار زنان بی خانمان بازداشت شده را ۲ هزار و ۵۲ تن ذکر کرد.

نامه مریم اکبری منفرد در هشتمین نوروز در زندان؛ زمان تغییر و دگرگونی است

مریم اکبری منفرد زندانی سیاسی محبوس در بند نسوان (زنان) زندان اوین، در دلنوشته ای خطاب به خانواده اش در مورد هشتمین نوروز در زندان سخن گفته است. او در قسمتی از نامه اش درباره نوروز در پشت میله های زندان می گوید "زمانی که دلتنگ هستم و به دوری و فراق فکر می کنم، اینکه به کدامین گناه هشت سال ما را از هم جدا کرده اند. یک چیز و تنها یک چیز به من امید و آرامش می دهد و آن چشم امیدبخش پایان ظلم و استقرار آزادی است

انتقال ۴ زندانی زن به سولهای افرادی بند ۲۴۱ اوین

مهسا رجعتی ۳۶ ساله مورخ ۱۳ دی دیماه بازداشت شده است، طاهره ریاحی ۳۵ ساله، روزنامه نگار و دبیر اجتماعی خبرگزاری برنا که ۱۵ دیماه بازداشت شده است، معصومه (پگاه) ضیا، ۳۹ ساله، ۱۵ دیماه بازداشت شده است و مهرک کریم پور عنصلیبی ۲۴ ساله

۷ دیماه بازداشت شده است همگی مورخ ۲۲ اسفندماه از بند ۲۰۹ زندان اوین به بند نسوان این زندان منتقل شده بودند.

این چهار شهروند که اتهامات "تبلیغ علیه نظام و مشارکت در تبلیغ" در مرحله بازپرسی توسط دادستان به آنان ابلاغ شده، عمده زمان بازداشت خود در بند ۲۰۹ زندان اوین را در سلول انفرادی به سر برده بودند.

در واپسین روزهای اسفندماه، برای این چهار فعال مدنی قرار ۲۰۰ میلیون تومان وثیقه صادر شده، اما به دلیل غیبت بازپرس مربوطه، خانواده های آنان از تودیع آن بازمانده و گفته میشود احتمالاً تا زمان برگزاری دادگاه در زندان خواهند ماند.

کاریکاتورست یاد هم سلوئی هایش را در نوروز زنده می کند

آتنا فرقدانی، کاریکاتورست مشهور، در یادداشتی، شرایط خود به هنگام نوروز در زندان را توصیف کرده است. این زندانی سیاسی سابق نوشته است:

«عید نوروز ۱۳۹۴ در سلول انفرادی بودم؛ اما نوروز ۱۳۹۵ در بند زنان اوین تصمیم گرفتم، سبزه نوروز را در یک کفشم سبز کنم. دانه ها جوانه می زدند و قد می کشیدند. بعضی از هم بندی هایم می گفتند وقتی به این کفش که انگار زندگی از درون آن تراوش کرده، نگاه می کنیم، قدم هایمان استوارتر می شود».

آتنا ادامه می دهد: «چند ماه از بازگشتم به آغوش خانواده می گذرد؛ مادرم می گوید، با این کفش را دیگر به پا نکن و... یا به دلیل کهنگی اش آن را دور بینداز! به او

می گویم: این کفش پاره پاره هم که شود، بارها و بارها وصله اش می زنم و به پا می کنم... هر نوروز به یاد تمامی زندانیان غیر سیاسی و سیاسی ایران" هر گام را به سبزه ای می آریم تا به رنگ سرخ یک ماهی تنگ خیره شود، شاید رنگ سپیدی به راهی گره خورد!

پاکستان: تاکسی صورتی برای مقابله با آزار و اذیت زنان

در کراچی، کلان شهر اقتصادی پاکستان، زنان اغلب در طول رفت و آمد خود با وسایل نقلیه عمومی در سطح شهر با آزار و اذیت جنسی روبرو می شوند، اکنون در این شهر برای مقابله با این موضوع، تاکسی ویژه زنان در نظر گرفته شده است.

این تاکسی های ویژه خصوصی «تاکسی صورتی» نام دارند و رانندگان آن زن هستند. قرار است در این کشوری که جمهوری اسلامی بر آن حاکم است، با روش تفکیک جنسیتی تاکسی ها به مقابله با این پدیده پیچیده اجتماعی روی آورند. تاکسی های صورتی از پنجشنبه ۲۳ مارس / فروردین کار خود را آغاز می کنند.

وزیر حمل و نقل استان سند که کراچی مرکز آن است، در یک برنامه تلویزیونی فعالیت تاکسی های صورتی را ستود. دیگر شهرهای بزرگ پاکستان نیز از به کارگیری این تاکسی ها استقبال کرده اند.

بر اساس مطالعات سازمان بین المللی کار، فقدان حمل و نقل عمومی امن از دلایل مهم کمتر کار کردن زنان پاکستانی در خارج از خانه است. با این حال، بیم آن می رود که تاکسی های صورتی برای بسیاری از زنان بیش از حد گران باشد.

شورای حقوق بشر ملل متحد یک مناظره در رابطه با پیگیریها و اجرای بیانیه و برنامه عمل وین برگزار کرد.

در این مناظره عمومی که روز ۳۰ اسفند ۹۵ برگزار شد هیأت ها بر حیثیت ذاتی و حقوق مساوی و غیرقابل انکار آحاد خانواده بشری و بر اینکه این بنیاد آزادی، عدالت و صلح می باشد تأکید کردند. آنها خواستار به رسمیت شناختن و تحقق کامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در همه سطوح شدند.

تعدادی از کشورها و برخی سازمانهای غیردولتی در این مناظره سخنرانی کردند.

کمیسیون مطالعه ساختار صلح گفت که وضعیت حقوق بشر در ایران همچنان موجب نگرانی است. چشم انداز فرم در ایران تیره است و از شورا خواسته شد که به رصد وضعیت حقوق بشر در ایران از جمله رفتار با اقلیت های مذهبی ادامه دهد.

مرکز مطالعات محیط زیست و مدیریت توجه شورا را به سرکوبی که به طور روزمره متوجه زنان در ایران است، جلب کرد. جمهوری اسلامی به استفاده از شکنجه، بدرفتاری و شلاق زدن بازداشت شدگان و به اعدام افراد ادامه می دهد.

ماموریت گزارشگر ویژه حقوق بشر ایران تمدید شد

شورای حقوق بشر سازمان ملل روز جمعه با رای مثبت به قطعنامه پیشنهادی سوئد، آمریکا، مقدونیه و مولداوی، ماموریت عاصمه جهانگیر، گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران، را تمدید کرد.

خویش و نیز همدردی با خانواده های زیان دیده معنوی مادی از شهروندان محترم درخواست می کند که در ایام شروع سال نو و نوروز باستانی، عیادت و همدلی و همیاری و مساعدت با خانواده ها و اشخاص سانحه دیده از معضل کولبری را بیش از پیش مد نظر داشته باشند...

کمپین پژواک فریاد کولبران
۱۳۹۵.۱۲.۲۹

نگاه هفته...

از صفحه ۵

شده است.

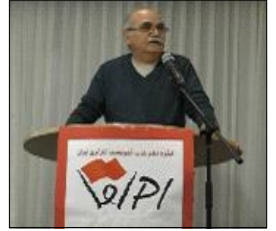
نتیجه شدن فعالیتهای پیش بینی شده کنونی، شاهد تسریع روند کاهش عوارض و پیامدهای این مسئله با ایجاد زیرساختهای اقتصادی و اجتماعی لازم و توسعه همجانبه مناطق مرزی و ایجاد و توسعه مناطق آزاد و اتخاذ راهکارهایی جایگزین کولبری و متناسب با شان انسانی شهروندان باشیم. کمپین ضمن یادآوری مجدد برنامه پیشنهادی

کمپین پژواک فریاد کولبران ضمن تقدیر از تمامی فعالیتهای انجام شده در این راستا و نیز تأکید مجدد بر اینکه کولبری مشغله ای از سر ناچاری در مناطق مرزی است و فی الواقع باربری در مقابل حداقل دستمزد دون شان انسانی شهروندان و تهری از حداقل ویژگی های لازم جهت اطلاق عنوان شغل به آن است، امیدوار است که سال آینده با منتج به



کلیه کارگران و معلمان و
پرستاران باید به استخدام
رسمی در آیند!

جامعه در تدارک نبرد نهائی است سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی در کنگره دهم



صحبتی که مایلم بعنوان افتتاحیه ارائه کنم اساسا مربوط میشود به وضعیت ویژه سیاسی در ایران، در منطقه و در دنیا. البته در یک فرصت کم نمیشود همه این جوانب را پوشاند. امیدوارم در طی دو روز کنگره و در بررسی اسناد و قطعنامه های پیشنهادی این فرصت را داشته باشیم. در این بحث تنها به یک جهت گیری عمومی و به مولفه های اصلی وضعیت سیاسی خواهم پرداخت.

تا آنجا که به ایران مربوط میشود به نظر من یک فاکتور جدیدی در جامعه هست که گرچه رسانه ها و حتی بسیاری از احزاب اپوزیسیون و ناظرین سیاسی و تحلیلگران نادیده اش میگیرند ولی همه چیز را تعیین میکند. شما بازتاب و انعکاس این مولفه را در حاد شدن اختلافات جناحهای حکومتی، در اصطلاح انتخاباتها، در جدال بر سر تغییر قانون کار، در رابطه با آمریکا و غیره و غیره می بینید. در هر عرصه متوجه میشوید شبی وجود دارد که کسی اسمش را نمی آورد و به آن رجوع نمیکند. در منطقه هم همینطور. در موقعیت جمهوری اسلامی و نقشی که بازی میکنند در تحولات منطقه هم تاثیرات این شبخ هوداست.

در سراسر دنیا هم این فاکتور همه جا خود را نشان میدهد. بعنوان نمونه همین امروز در فضای سیاسی آمریکا حضور این شبخ را همه جا می بینیم. به این جنبه های جهانی بیشتر می پردازیم ولی در فضای سیاسی ایران این مولفه خیلی برجسته و خصلت نما است.

این فاکتور و مولفه تازه جامعه معترضی است که با ایده ها و آرمانها و حتی شعارها و خواسته های روشن چپ، رادیکال و انسانی مهر خودش را به همه چیز می کوبد. البته مسائلی که جامعه ایران درگیر آنهاست مسائل تازه ای نیستند. از زمانی که جمهوری اسلامی روی کار آمده در جنبش کارگری در جنبشهای مختلف برای حقوق برابر، برای آزادی، علیه فقر، برای ارتقای شرایط زندگی مدام میان مردم و حکومت جنگ و درگیری بوده است. بعنوان نمونه زنان یک عامل اساسی در بجالش کشیدن حکومت بوده

اند. جوانان هم همینطور. و در چند سال اخیر جنبش کارگری برجسته تر و پیگیرتر از همه و بعنوان پرچمدار مبارزه علیه فقر و علیه ریاضتکشی اقتصادی و مبارزه برای برخورداری از حداقل شرایط یک زندگی انسانی در میدان بوده است. آنچه جدید است چیزی که باید دید و همانطور که گفتم کمتر می بینند این هست که جامعه دارد بخودش شکل میدهد. اعتراض و مبارزه در جامعه دارد نهادینه میشود. جمع جامعه دارد کریستالیزه میشود. جمع ها و تشکلهای شکل میگیرند. چهره ها و شخصیتها جلو می آیند و علنا سخن میگویند و حکومت را بجالش میکشند. و خواسته ها و شعارها دارد دقیقتر و مشخص تر میشود. و این را شما قبل از هر چیز در جنبش کارگری می بینید.

به نظر من در جامعه ای که تحولات به این سمت برود که جنبش کارگری را بجلو براند این به معنی چرخش به چپ است. در هیچ جامعه ای که راست دست بالا داشته باشد کارگر بجلو نمی آید. برعکس در انتهای صف قرار میگیرد. امروز نه فقط ما، چون حزب کمونیست کارگری هستیم، بلکه هر ناظر سیاسی ای و هر حزب و گرایشی این چرخش به چپ را می بیند. رضا پهلوی و دو خردادها و دار و دسته خامنه ای و دولت روحانی هم این را می بینند. وقتی طبقه کارگر مهرش را بر تحولات میکوبد این نشاندهنده آنست که جامعه گرایش و میل پیدا میکند به آن آرمانها و خواسته ها و به آن آینده ای که طبقه کارگر - طبقه کارگر و نه کارگران یا حتی جنبش کارگری بلکه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی- پرچمش را بلند کرده است. طبقه ای که از زمان مانیفست کمونیست تا با امروز این پرچم را برافراشته است. ممکن است جامعه حتی اسم مانیفست را هم نشنیده باشد ولی گویی این مضمون مانیفست کمونیست است که از جانب نه فقط کارگران بلکه حتی زنان و جوانان مطرح میشود. در چنین شرایطی هست که جنبش کارگری جلو می آید و گل میکند و میشکند.

جنبش کارگری بنا به تعریف و بویژه امروز در آغاز قرن بیست و یکم یک جنبش چپ است. ناسیونالیستها در جنبش کارگری نفوذ دارند. دوخردادها هم هستند و حتی احزاب سازشکار ظاهرا چپ نظیر توده ایستها فعال هستند. ولی این گرایش تعیین کننده و خصلت نمای جنبش کارگری نیستند. خصلت نمای جنبش کارگری کمونیسم

کارگری است. بحث صرفا بر سر حزب نیست. جنبش کمونیسم کارگری یعنی یک جنبش ماکسیمالیست، افراطی، جنبشی که حرف آخرش را اول میزند، جنبشی که به چیزی کمتر از برابری همه انسانها در سراسر دنیا رضایت نمیدهد، جنبشی که در برابر مذهب نه تنها سکولاریسم بلکه اتمه نیسم را قرار میدهد. جنبشی که در نه فقط در برابر جمهوری اسلامی بلکه در برابر کل طبقه حاکمه یک آینده دیگری، یک اقتصاد دیگر، یک سیاست دیگری، یک معنی دیگری از آزادی، یک معنی دیگری از برابری و از انسانیت را مطرح میکند و به قدمت عمر جمهوری اسلامی این چشم انداز را مطرح کرده و کوبیده و بجلو آمده است. اینست آن شبی که کسی نمیخواهد ببیندش. مدنیتهاست اینطور است ولی چیزی که امروز مشاهده میکنیم اینست که این شبح دارد بخودش شکل میدهد. همانطور که اشاره کردم دارد متشکل میشود و تعیین پیدا میکند و کریستالیزه میشود. جامعه ایران دارد در یک سطح گسترده نهادهای اعتراضی و مبارزاتی پیدا میکند. نهادهای مبارزاتی نه از زاویه منافع بخشهای مختلف جامعه به معنایی که مثلا در کشورهای غربی می بینید. مبارزه بااصطلاح "اقلیتهای مذهبی" و "اقلیتها ملی و نژادی" و غیره. در جامعه ایران اقلیت و اکثریت، همانطور که در سخنرانی در مورد عروج فاشیسم اشاره کردم، برای "نژاد انسان" مبارزه میکنند.

در اولین نگاه، وقتی یک عکس فوری از جامعه ایران بگیرید، اینطور به نظر میرسد که مبارزات شکل صنفی - مدنی - مطالباتی پیدا کرده است. مثل دیگر جوامع متعارف. ممکن است کسی این نتیجه را بگیرد که رژیم مستقر شده است و حالا مردم ایران هم مثل مردم انگلیس و فرانسه دارند برای افزایش دستمزدها و بیمه بیکاری و برابری زن و مرد و غیره مبارزه میکنند. ممکن است بگویند البته زنان در ایران خیلی بیشتر بیحقوق هستند و مجبورند مثلا برای حق دوچرخه سواری مبارزه کنند ولی در هر حال جامعه و حکومت متعارف شده و زنان هم مثل هر جامعه متعارفی دارند خواستههایشان را مطرح میکنند. همانطور که در آمریکا و فرانسه و ترکیه مشاهده میکنیم. عکس فوری این را نشان میدهد. ولی کافیتست واقعیت را کمی خراش بدید تا متوجه بشوید اینطور نیست. بعد از انقلاب ۸۸، بعد

از آن شورش و خیزش توده ای که شکست خورد جامعه دیگر یک جامعه "شورشی" نیست. جامعه اعتراضات خودبخودی نیست؛ جامعه ای که تحت فشار و با ازدیاد فشارها ناگهان مثل یک فنر در میروید و طغیان میکند. آنطور که در ۸۸ طغیان کرد و ما از ۸۶ این را پیش بینی میکردیم. از دوسال قبلش معلوم بود که جامعه منفجر خواهد شد. این را میشد پیش بینی کرد. و لااقل حزب ما پیش بینی میکرد. الان دیگر مکانیسم این نیست. جامعه منفجر نشده است ولی بعد از تجربه ۸۸ جامعه دارد برای جنگ نهائی خودش را آماده میکند. اعتراضات در قالب صنفی - مطالباتی - مدنی شکل میگیرد ولی این ظاهر قضیه است. آن زنی که خواست دوچرخه سواری را طرح میکند مشکلت تنها این نیست که میخواهد سوار دوچرخه بشود. میداند که دوچرخه سواری زنان یعنی نه بزرگی به این حکومت. این نمونه دوچرخه سواری نمونه گویائی است. مساله از پاسداری از محیط زیست شروع شد؛ ظاهرا از بی آزار ترین و غیر سیاسی ترین و مدنی ترین و معقول ترین شعارها که میشد داد: "محیط زیست سالم". خوب در همه کشورها آلودگی محیط زیست یک مساله است. در همه شهرهای صنعتی دنیا آلودگی بالا است. در ایران هم هست. ولی مردم از مساله محیط زیست به سه شنبه های بدون خودرو رسیدند و بعد سه شنبه های بدون خودرو تبدیل شد به سه شنبه های دوچرخه سواری زنان. و رژیم آچمز شد. شعار بی آزار و آرام سه شنبه های بدون خودرو که لاقل جناح روحانی هم پشتش بود، تبدیل شد به دو چرخه سواری زنان که دیگر هیچ جناحی نمیتوانست تحمل کند. این یک مبارزه صنفی نیست. اینطور نیست که زنان دانشان برای دوچرخه سواری تنگ شده است.

مثال دیگر دیوار مهربانی است و یا جشن روز شهرها و انواع و اقسام ابتکارات مبارزاتی که مثلا در اعتراضات مردم مریوان شاهد هستیم. در همه این موارد اینطور به نظر میرسد که جامعه مشغول مبارزات صنفی مدنی است ولی اساس آن چیزی که زیر پوست این حرکتها اعتراضی در جریان است جنبش سرنگونی است که دارد به خودش شکل میدهد. دارد خودش را میسازد و پایه هایش را محکم میکند. برای آنکه دیوار بالا برود دارد زمین را میکند؛ دارد پی دیوار را بتون ریزی میکند. دیگر نمیخواهد شورش کند. این بار میخواهد انقلاب کند. این بار میخواهد سازمان یافته بمیدان بیاید. این بار میخواهد چهره هایش دیگر

موسوی و کروی نباشند، عبیدی ها و عظیم زاده ها باشند. بهنام ها باشند. چهره هایش کسانی باشند که هر روز جلوی زندان اوین در دفاع از زندانیان سیاسی تجمع میکنند. چهره هایش کسانی باشند که جنبش داخواهی را به راه انداختند علیه جنایات دهه شصت حکومت. این چهره ها دارند بجلو می آیند و این نهادها و سازمانها دارند شکل میگیرند. پوشش همه اینها مدنی و صنفی است ولی هم حکومت میداند و هم مردم میدانند که دعوا بر سر حقوق مدنی و صنفی نیست بلکه دعوا بر سر موجودیت بود و نبود این حکومت است. این را همه میدانند.

این واقعیتی است که حزب ما نمایندگی میکند. این واقعیتی است که حزب ما منتظرش بوده است و در ساختنش سهم مهمی داشته است. یک پایه دیگر این واقعیت حزب کمونیست کارگری ایران است. هر ناظری که یک ذره منصف باشد نمیتواند راجع به جنبش کارگری در ایران صحبت کند و اسمی از حزب ما نیاورد. فرض کنید ده یا بیست سال بعد کسی بخواند تاریخ این دوره را بنویسد. نمیتواند از اطلاعات عبیدی - عظیم زاده صحبت کند اما از حزب ما نام نبرد. مچش را میگیرند. میگویند این خواسته که از آسمان نازل نشده است. کسی نمیتواند به این واقعیت که همه از رضا پهلوی تا دارو دسته های دو خردادی درون و بیرون حکومت - نظیر مدافعین لگام - با اعدام مخالف شده اند اشاره کند و نگوید که حزبی وجود داشته است که بیست و پنجسال قبل از این اشاعه مخالفت با اعدام در برنامه اش نوشته بوده است اعدام قتل عمد دولتی است و دو - سه دهه برای لغو اعدام جنگیده بوده است در خارج و در داخل کشور. حزبی که توقع و انتظارات جامعه را به سطحی ارتقا داده است که حتی اگر پینوشه دیگری بجای خامنه ای بیاید دیگر نمیتواند اعدام کند. این جامعه به او اجازه نمیدهد. اینجا مصر نیست که بعد از اوخان المسلمین ژنرال سیسی روی کار آمد و کرور کرور اعدام کرد. در مصر جنبشی علیه اعدام وجود نداشت. جنبش، و نه طغیان و عصیان. انقلاب ایران انقلاب بوغزیزی ها و وائل غنیم ها نیست. انقلاب سازمانیافته کمونیسم کارگری است که دست در دست کارگر و زن و جوان دارد میسازد و خشت روی خشت میگذارد و به پیش میرود.

و این واقعیت را در رجوعی که بویژه در دو سال اخیر به کانال جدید میشود مشاهده میکنید. این واقعیت را در استقبالی که از میلیای اجتماعی و گروههای تلگرام حزب میشود مشاهده

از صفحه ۷ جامعه در تدارک نبرد نهائی ..

میکنید. در روی آوری فعالین جنبش کارگری و معلمان و باز نشستگان و زنان و جوانان به کانال جدید و در مصاحبه و پیامها و صحبت‌هایشان مشاهده میکنید. (در گزارشها با عدد و رقم به این موضوع میپردازیم. اینجا فرصت بحث مفصلتر نیست.)

زمانی بود که تماس با کانال جدید سخت بود و ریسک امنیتی بالایی داشت. الان فعالین برای رژیم خط و نشان میکنند که اگر جوابمان را ندهی با کانال جدید تماس میگیریم. الان این التیاماتوم کارگر است. مردم روی باز بازی میکنند. از آنسو آخوندها قرار و قانون صادر میکنند که تماس با تلویزیونهای ماهواره ای ضد انقلاب ممنوع است و از اینسو فعالین حرفشان را از کانال جدید بگوش جامعه می‌رسانند. و کاری هم از دست حکومت بر نمی آید. آنتنهای ماهواره ای را جمع میکنند و فردا باز بالا می‌رود چون جمع کردن و فروش مجدد آنتنهای بشقابی کسب و کار پر رونق خودشان است.

عامل و مولفه اساسی این وضعیت همانطور که گفتیم اعتراضات اجتماعی چپ و رادیکال و قوام گرفته مردم است و همه چیز را باید بر این اساس توضیح داد. از رابطه با آمریکا و دعوای جناحات تا کشمکش بر سر انتخابات و برخورد به ترامپ و غیره و غیره. به نظر من جامعه ایران دارد خودش را برای نبرد نهائی آماده میکند. و میدانند این نبرد سازمان می‌خواهد، این نبرد چهره می‌خواهد، این نبرد رهبر می‌خواهد و این نبرد حزب می‌خواهد. این را جامعه میدانند و بخش پیشرویش حتی میدانند این حزب کدامست. بخش پیشروی جامعه در طبقه کارگر و در دانشگاهها، مادران علیه اعدام و فعالین جنبش آزادی زندانیان سیاسی این را میدانند. بعضی از این فعالین به کنگره پیام فرستاده اند. زمانی بود که ما باید توصیه میکردیم که بخاطر مسائل امنیتی خود را معرفی نکن، صداقت را عوض کن و غیره. الان با کانال جدید با اسم و رسم خودشان تماس میگیرند و صحبت میکنند و دوستانشان را هم معرفی میکنند که در برنامه های بعدی روی خط بیایند و حرفشان را بزنند.

جنبش و جامعه متعین، متحزب هم هست و دارد خودش را متحزب میکند. دیروز با دوستی صحبت میکردم. از عضوگیریهائی که از طریق تلگرام کرده بود حرف میزد. تا جایی که به حزب ما مربوط میشود این روندی

آگاهانه است. این سیاست را ما در دو کنگره قبل تصویب کردیم. در پلنومها بر آن تاکید کردیم. اگر بخاطر داشته باشد در آخرین پلنوم بحث بر سر این بود که محور فعالیتها در داخل ایران است و دیگر دیواری بین داخل و خارج نیست. بحث بر سر این بود که تشکیلات خارج و کادریها حزب در خارج ایران میتوانند سازماندهندگان مبارزه در داخل باشند و امروز نمونه های موفق این سیاست در کنگره هستند. من دارم چهره هایشان را می بینم. یکی از همین فعالین بود که دیروز از تعداد اعضائی که از طریق تلگرام به حزب پیوسته بودند صحبت میکرد و از جوانان که به حزب روی می آورند. از استقبالی که از بحثهای کادریها حزب در گروه های تلگرام میشود میتوان این را مشاهده کرد که با چه عزت و احترامی از حزب صحبت میکنند. یاد هست زمانی که در جلسات پالتاکی صحبت میکردم وقتی از ایران کسی شرکت میکرد، کسانی که یا راست و سلطنت طلب بودند یا دزدادی، اغلب سوالات باصطلاح جهت دار و مچگیرانه مطرح میکردند. الان اینطور نیست، با احترام و سیماتی به حزب صحبت میکنند و سوالات واقعی شان را مطرح میکنند و از حزب جواب و رهنمود می‌خواهند.

در همه جنبه ها میبینید که جامعه به طرف حزب می آید. بازتاب اجتماعی این واقعیت اگر بخواهیم در یک جمله بیان کنیم اینست که مبارزه در ایران هر چه بیشتر از نظر طبقاتی قطبی میشود، هر چه بیشتر جنبشها و احزاب دیگر نشان میدهند که جوابی ندارند، و نه تنها جوابی ندارند بلکه دارند با ترامپ به ته چاه می‌روند. ناسیونالیستهای ایرانی، جمهوریخواهان ایران، حتی لیبرالها و باصطلاح سکولارها و حزب سکولاریستهای ایران رفته اند پشت ترامپ. وقتی که "رهبر جهان آزاد"، جهان آزاد سرمایه داری، یک فاشیست از آب در می آید، همه دموکراسی خواهان کمپ سرمایه فاشیست میشوند. دولت آمریکا به هر طرف بچرخد احزاب راست در کشورهایی نظیر ایران هم به همان طرف میچرخند.

اجازه بدهید اینجا گریزی بزنیم به نیروهای اپوزیسیون راست. زمانی اپوزیسیون راست بدنبال رژیم چنج بود. زمانی بدنبال حمله نظامی بود. دوره ای بدنبال بحران آفرینی در مرزها بود؛ در دوره بوش پدر و بوش پسر. دوره اوباما

بدنبال این بود که از طریق لابی ایسم در آمریکا سیاستهایش را به پیش ببرد. الان لابی ایستهای ایرانی که در انتخابات آمریکا حامی ترامپ بودند او را رئیس جمهور خودشان میدانند و دارند با این طناب می‌روند ته چاه. و این یعنی ختم لیبرالیسم و دموکراسی پناهی و حقوق بشر پناهی و حتی سکولاریسم راست. مردم دارند معنی واقعی "حقوق بشر" نوع آمریکا را در سیاستهای ترامپ و در اعتراضات مردم آمریکا به این سیاستها مشاهده میکنند. امروز مردم آمریکا در اعتراض به اخراج مکزیکی ها اعلام میکنند "انسانیت نژاد من است" و در ایران بیش از بیست سال است مردم در مقابله با فاشیسم اسلامی حاکم همین را میگویند. ما همیشه گفته ایم که جمهوری اسلامی چنان ارتجاعی و ضد انسانی است و در منتهی الیه راست قرار دارد که فقط با چپ رادیکال میشود در مقابلش ایستاد. مثل قانون عمل و عکس العمل در مکانیک. وقتی حکومت راست افراطی است جامعه به سمت چپ افراطی متمایل میشود و نه به سمت دموکراسی پناهی و لیبرالیسم نیم بند احزاب میانه رو. در دنیای امروز هیچکس نمیتواند وسط بایستد. بورژوازی هم باید با خودش تعیین تکلیف کند. یا می‌روند بدنبال لیبرالیسم کلاسیک و یا بدنبال ترامپ. امروز ترامپ را انتخاب میکنند چون لیبرالیسم و نئولیبرالیسم دیگر به بحرانشان جواب نمیدهد.

جامعه هم باید انتخاب کند. اپوزیسیون هم باید تعیین تکلیف کند. یا می‌روند بدنبال مجاهد و رضا پهلوی و جمهوریخواه - سلطنت طلبها، که از ترامپ و فاشیسم نپا حمایت میکنند و یا حزب کمونیست کارگری را انتخاب میکنند که نماینده آزادی و برابری و انسانیت است. یعنی نماینده همان چیزی که جنبش اشغال گفت، همان چیزی که انقلابات منطقه گفت و همان چیزی که خیزش میلیونی ۸۸ اعلام کرد. منتهی اگر این جنبشها و تحولات شکل نداشت و متعین نبود امروز جنبش ضد حکومت و وضعیت موجود در ایران هر چه بیشتر به این سمت حرکت کرده است و قوام گرفته است. علنی و گسترده است و در قالب مبارزه صنفی و مدنی و قانونی حکومت را آچمز کرده است. ظاهرا سیاسی نیست ولی به نظر من حرکتی سیاسی تر از این وجود ندارد. در شرایط اختناق مبارزه سیاسی این شکل را بخودش میگیرد. وقتی مضمون این حرکتها را مد نظر قرار میدهید

میبینید در منتهی الیه چه جنبش اشغال سال ۱۲-۲۰۱۱ قرار میگیرد. به نظر من این وضعیت جایگاه ویژه ای به این کنگره میدهد. این کنگره همین تعداد اعضا و کادرها و نمایندگان که در این سال هستند و یا حتی چندین برابر اعضا و کادرهائی که در این جا حضور ندارند نیست. این کنگره ای است که باید صدای اعتراض جامعه را منعکس کند. جامعه باید ببیند این حزب در مورد چه باید کردها و در مورد آینده، در تحلیل و تبیین اوضاع، در مورد وضعیت نه تنها ایران بلکه در مورد منطقه و شرایط جهانی چه میگوید. باید ببیند نمایندگان کنگره بعنوان پیشروان، بعنوان پیشگامان و بعنوان رهبران مردم چه ارزیابی ای از اوضاع دارند. چه انتظار و ترقی دارند. معیارها و استانداردها را کجا میگذارند و قطعنامه ها و سیاستهایشان چیست؟ پیامهایشان چیست؟ سخنرانیهایشان چیست؟ این کنگره جامعه ای است که هرچه بیشتر دارد خودش را متعین و متشکل میکند و هر چه بیشتر به چپ سوق پیدا میکند.

یک نکته هم در آخر باید تاکید کنم. روی کار آمدن ترامپ تا آنجا که به منطقه و اسلام سیاسی مربوط میشود به معنی یک تقابل تازه است. اسلام سیاسی سه دوره را پشت سر گذاشته است. دهه های آخر قرن گذشته اسلام سیاسی علیه شوری به کار گرفته شد و در دوره بعد دولت آمریکا بمنظور تامین و تثبیت هژمونی اش در جهان بعد از جنگ سرد اسلام سیاسی را هدف تعرض نظامی خود و متحدین اش قرار داد. و امروز هم راست افراطی در غرب به اسلام سیاسی نیاز دارد ولی بعنوان دشمن نژاد و فرهنگ خود. آقای استیو بن استراتژیست "رهبر جهان آزاد" معتقد است آینده جهان را جنگ بین اسلام و مسیحیت تعیین میکنند.

این نقش امروز اسلام سیاسی است. و منتظر باشید که چه سنتی و چه "ضد آمریکائی" نوع اس دبلیو پی و غیره بیشتر و بیشتر اسلام پناه بشوند. این حرکت فی الحال شروع شده است. در جواب ترامپ دارند در خیابانها نماز جماعت برپا میکنند. کسی مثل مایکل مور مستند ساز معروف و چپ آمریکائی خودش را مسلمان میخواند.

از پرچم آمریکا حجاب میسازند و بر سر زنان میکشند. این وضعیت امروز است. مثل همیشه راسیسم و اسلامیسیم به همدیگر زمینه میدهند و همدیگر را توجیه میکنند.

در این جنگ ما جنبه مردمی هستیم که میگویند نه ترامپ و نه اسلامیسیم. نه جنبش اسلام سیاسی و نه فاشیسم. و معنای اثباتی این "نه" چیزی بجز سوسیالیسم نیست. آنترناتیو دیگری نیست. خود بورژوازی خلائی ایجاد کرده است که فقط با سوسیالیسم میتواند پر بشود. لیبرالیسم آمد و رفت. نئولیبرالیسم آمد و رفت. نئوکنسرواتیسم آمد و رفت. کینز و فریدمن شکست خوردند و رفتند و حالا یک شارلاتان دماغوک پوپولیست لپمینی را فرستاده اند جلوه بعنوان "رهبر جهان آزاد". رهبر واقعی جهان آزاد سوسیالیستها هستند. شما می‌خواهید بین کشورها دیوار بکشید ما می‌خواهیم مرزها را پاک کنیم. شما می‌گویند موزائیکهای قومی مذهبی نابرابرند ما می‌گوئیم برابری همه انسانها مستقل از مذهب و ملیت و قومیت. شما می‌گویند نژاد آنگلوآسکسون برتر است ما می‌گوئیم انسانیت نژاد ما است. شما می‌گویند سرمایه ها به "میهن" شان بازگردند ما می‌گوئیم سرمایه باید از کل کره ارض جaro بشود. بشریت هر چه میکشد از سلطه سرمایه است.

امروز روز ماکسیمالیسم است. روز ماکسیمالیسم در خیابان! روز سوسیالیسم هم بعنوان استراتژی و هم تاکتیک. دنیا جواب دیگری ندارد. به این معنی ما حزب جهان بپا خاسته ایم در برابر کل این اردوی کاپیتالیستی. از ساندروز و کوربین بگیرد تا ترامپ و از جمهوری اسلامی تا اردوغان. و تا تمام اسلاميون معتدل و نیمه معتدل و افراطی از روحانی تا خامنه ای و از احمدی نژاد تا کروبی.

دنیا پاسخ دیگری بجز سوسیالیسم ندارد و به نظر من جامعه ایران و سیاست ایران در محور این شرایط است. گره این دنیا با ایران باز میشود نه بخاطر اینکه ما آنجا زاده شده ایم بلکه بخاطر اینکه ما حزب کمونیست کارگری مردم آزاده دنیا هستیم.

مشترک

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!